

# خلاصه: دیاسپورای افغان در اروپا

راهنمای مشارکت در دنمارک، آلمان، سویدن و بریتانیا



# تحقیق

این تحقیق از جانب شورای مهاجرین دنمارک صورت گرفته که بخشی از یک پروژه بزرگتر است و دیاسپورای افغان در اروپا را در امر مشارکت یاری می‌رساند. این پروژه توسط مرکز تحصیلات عالی فوق لسانس در رشته حکومتداری دانشگاه ماستریخت/دانشگاه سازمان ملل - میریت به اكمال رسیده است. دکتر بیل یانا میشکو فسکا، نصرت سید، کاتارینا کوچ، ایمان رجب‌زاده، کارول وینگر و پروفیسر دکتر میلیسا سیگل این گزارش را نگاشته‌اند. امیلی سویج، از مراکی لیز آن را ویرایش نموده است. از ماکزیمیلین، نیناگوستافسن، روفوس هورن، هیلی هوسمن، کیراجینسن، بیلی کیرک لاند، شارلوت مولر، کیون اودیل، وصال احمد زمان و گوستاف رینمن، بخاطر همکاری ارزشمندشان در این پروژه تحقیقی اظهار امتنان می‌نماییم. علاوه بر این، ما از همه پاسخ دهنده‌گان به خاطر تشریح نظریاتشان تشکر می‌کنیم.

## برنامه دیاسپورای شورای مهاجرین دنمارک:

برنامه دیاسپورا یکی از فعالیت‌های واحد جامعه مدنی شورای مهاجرین دنمارک بوده و بالای تسهیل، تقویت و نقش دیاسپورا منحصیث عنصر فعال کمک‌های بشردوستانه جهت توسعه و بهبودی وضع تاکید می‌کند. شورای مهاجرین دنمارک (DRC) یک سازمان خصوصی، مستقل و بشردوستانه می‌باشد که در بیشتر از ۳۵ کشور برای حمایت دیاسپوراز پناهندگان و بیجاشده‌گان داخلی (IDPs) که تحت تعقیب قرار دارند کار می‌کند و برای تقویت راه حل‌های پایدار مبتنی بر حقوق بشر و اصول بشردوستانه برای مشکلات بیجاشدگی اجباری تلاش دارد.

آدرس تماس diaspora@drc.ngo  
وبسایت website: drc.ngo/diaspora

## پلتفورم راه حل برای بیجاشده‌گان در آسیا:

پلتفورم راه حل برای بیجاشده‌گان در آسیا ابتکار مشترک شورای مهاجرین دنمارک، کمیته بین‌المللی نجات، شورای مهاجرین ناروی و سازمان کمک بین‌المللی بوده و در نظر دارد در حل مشکلات مردم که از بیجاشدگی متاثر گردیدند، کمک کند. با اتکا بر حضور فعال اعضای خود در آسیا و شبکه وسیع آن در امریکای شمالی و اروپا، ADSP با دخیل شدن در ابتکار عمل‌های حمایتی مبتنی بر شواهد میدانی، به دنبال حمایت از راه‌حل‌های مفید برای اجتماعات متاثر از بیجاشدگی می‌باشد.

اعضای شبکه ADSP، بحیث ادارت تطبیق‌کننده، با بیجاشده‌گان و اجتماعاتی که از آنها میزبانی می‌کنند از نزدیک کار می‌کنند و به همین دلیل، توانایی آن را دارند که یک دورنمای موثر، برجسته و تجربه‌محور را برای پالیسی‌ها و پروژه‌های حمایتی به اشتراک بگذارند؛ پالیسی‌ها و پروژه‌هایی که ممکن است گاهی اوقات، در شرایط عینی و در رابطه با مشکلات بیجاشده‌گان و اجتماعات میزبان مد نظر گرفته نشوند.

آدرس تماس: coordinator.adsp@drc.ngo  
وبسایت: www.adsp.ngo

## مرکز تحصیلات عالی ماستری در رشته حکومتداری دانشگاه ماستریخت دانشگاه سازمان ملل:

مرکز تحصیلات عالی ماستری در رشته حکومتداری دانشگاه ماستریخت (MGSoG) در چارچوب دانشگاه سازمان ملل - انستیتوت تحقیقات اجتماعی و اقتصادی درباره نوآوری و تکنولوژی (دانشگاه سازمان ملل - میریت) ادغام گردیده است. دانشگاه سازمان ملل / میریت انستیتوت تحقیقات و آموزش دانشگاه سازمان ملل و دانشگاه ماستریخت می‌باشد که در هالند موقعیت دارد. انستیتوت (MGSoG/UNU-MERIT) در مطالعات و ارزیابی‌های عملیاتی و پالیسی‌محور پیشگام است و در ساحت جمع‌آوری داده و تحلیل در سراسر جهان تجارب وسیع دارد.

وبسایت: <https://www.maastrichtuniversity.nl/research/maastricht-graduate-school-governance>

عکاس: جمیل غفوری  
چاپ: نومبر ۲۰۱۹ (چاپ اول)

# خلاصه:

## پس زمینه و اهداف تحقیق:

در حال حاضر، افغان‌ها در میان ملیت‌هایی هستند که بیشترین رقم درخواست‌های پناهنجویی را در سراسر جهان دارند (کمیشتری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، ۲۰۱۹). روندهای مهاجرتی کلان که در اثر جنگ‌ها در طول دهه‌ها جریان دارد، پدیده جدیدی نیست. افغانستان از قدیم به حیث یک کشور مهاجرفرست شناخته می‌شود (واینار، ۲۰۱۴). با در نظر داشت مقیاس کلان دیاسپورای افغان، توجه ذینفعان امور دیاسپورا بطور فزاینده به این گروه جلب شده است، زیرا شبکه‌های دیاسپورا در تهیه معلومات و معاونت برای مهاجرین جدید و همچنین اهمیت وجوه ارسالی [remittances] توسط اینها در توسعه اقتصادی و انتقال دوطرفه مهارت‌ها و دانش بین کشور مقصد و کشور خاستگاه از اهمیت زیادی برخوردار است. در این زمینه، برنامه دیاسپورای شورای مهاجرین دنمارک، مرکز تحصیلات عالی فوق لسانس در رشته حکومتداری ماستریخت (MGSOG) مربوط دانشگاه سازمان ملل - میریت در هالنند را موظف ساخت تا وضعیت دیاسپورای افغان و سازمان‌های دیاسپورای افغان را در کشورهای دنمارک، آلمان، سویدن، و بریتانیا مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

شناسایی سازمان‌های دیاسپورای افغان (ADOS)، ارزیابی نیازمندی‌ها و ظرفیت سازمان‌های دیاسپورای افغان و ارائه توصیه‌ها جهت مشارکت سازمان‌های دیاسپورای افغان در آینده. این گزارش بر مبنای یافته‌های به دست آمده از چهار جلسه مشورتی با سازمان‌های مهاجرین افغان، ۱۰۳ مصاحبه با اعضای این سازمان‌ها و دیگر ذینفعان مربوطه، همچنین بررسی ادبیات تحقیق موجود و شناسایی سازمان‌ها استوار است.

## دیاسپورای افغان:

- دیاسپورای افغان همواره به حیث یک گروه غیر متجانس شناخته شده است. عوامل مختلفی مانند قومیت، دیدگاه‌ها یا پیوندهای سیاسی، زمان رسیدن به کشورهای مقصد، نسل و عقاید مذهبی در این زمینه نقش بارز دارند. پروسه‌های طولانی پناهنجویی، الحاق مجدد فامیل‌ها و عدم اطمینان در رابطه با وضعیت اقامتی به حیث عواملی شناخته شده‌اند که اجتماعات دیاسپورای افغان را زیر فشار گرفته‌اند. دیاسپورای افغان، به خاطر بدتر شدن وضعیت امنیتی افغانستان، تمایل چندانی به بازگشت دایمی به افغانستان نشان نمی‌دهند. مشارکت سیاسی دیاسپورای افغان و سازمان‌های این دیاسپورا در راه دفاع از حقوق‌شان با اهمیت ارزیابی شده است. با وجود آن، موارد مشارکت سیاسی در کشورهای مورد مطالعه به ندرت مشاهده می‌شوند. ویژگی‌های جمعیتی دیاسپورای افغان در کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که اکثریت آنها مردان جوان هستند (بین سنین ۱۵-۳۴).
- دنمارک: اختلاف بین مهاجرین افغان در دنمارک بر مبنای قومیت، دیدگاه‌های سیاسی و نسل به طور مکرر مورد اشاره قرار گرفت. به طور خاص، آن افغان‌هایی که در دهه هفتاد و هشتاد به دنمارک آمدند، فرهنگ افغانی خود را حفظ کرده‌اند. در حالی که، موج‌های بعدی خود را به طور کلی به جامعه افغان متعلق می‌پندارند، اما بیشتر به تعلیم، کار و فعالیت در جامعه دنمارک مشغول هستند. به نظر می‌رسد برخی از افغان‌های جوان‌تر در دنمارک با دیاسپورای افغان در خارج از دنمارک روابطی خوبی دارند.
- آلمان: آلمان کلان‌ترین دیاسپورای افغان در اروپا را در خود جای داده است که بخش چشمگیری از آنها در پنج سال گذشته به این کشور وارد شده‌اند. میان دیاسپورای افغان که در دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود به آلمان آمده‌اند و کسانی که در سال‌های اخیر وارد این کشور شده‌اند، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی چشمگیری وجود دارد. بطور کل، دیاسپورای افغان بر اولویت دادن پروسه ادغام در جامعه آلمان متمرکز است تا این که بر ادغام در درون خود دیاسپورا متمرکز کند. ارتباط‌ها بین دیاسپورا در آلمان بیشتر بر پیوندهای فامیلی استوار است، بدون آن که یک احساس کلی از اجتماع را در میان خود ابراز نمایند.

- سویدن: در سویدن، بین گروه‌های فرعی مختلف دیاسپورای افغان تعامل بیشتری مشاهده می‌شود که به شمار نسبتاً کمتر اجتماع مهاجرین برمی‌گردد. با این حال، بین کسانی که در سال‌های قبل به آن جا رسیدند و آنانی که در سال‌های اخیر به سویدن رسیده‌اند، تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. تازه از راه‌رسیده‌ها بطور عمده هزاره‌هایی هستند که از ایران به آنجا مهاجرت کردند و پیوندهای مستقیم کمتری با افغانستان دارند. اطفال بدون همراه (UAMS) در حدود ۵۰ فیصد تازه از راه‌رسیده‌ها را تشکیل می‌دهند و ممکن است برای کاهش تنهایی و احساس انزوا، در مقابل ادغام مقاومت کنند.
- بریتانیا: میزان جمعیت قابل توجهی از دیاسپورای افغان در اروپا است. دیاسپورای افغان در این کشور متنوع و چشمگیر است، هر چند پشتون‌ها بطور نسبی قسمت اعظم آنها را تشکیل می‌دهند. نسل قدیمی نسبت به نسل جدید دیاسپورا کمتر به ادغام در این جامعه علاقمند هستند و برخوردهای فرهنگی در رابطه با هنجارهای اجتماعی در بین دیاسپورای افغان امری معمول است.

## مرور کلی سازمان‌های دیاسپورای افغان (ADOs):

- در مجموع، ۴۶۲ سازمان توسط دیاسپورای افغان تاسیس گردیده‌اند: دنمارک (۹۶)، آلمان (۱۲۹)، سویدن (۱۳۳)، و بریتانیا (۱۰۴). اکثریت این سازمان‌ها بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ تاسیس گردیده‌اند؛ یعنی به دنبال مهاجرت رقم کلانی از افغان‌ها که پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان اتفاق افتاد.
- تعداد سازمان‌های دیاسپورای افغان به ازای هر کشور با جمعیت دیاسپورای افغان در آن کشور مطابقت ندارد. در آلمان، جمعیت دیاسپورا پنج برابر دیاسپورای سویدن است، ولی سازمان‌های دیاسپورای کمتری دارد.
- ترکیب اعضای سازمان‌های دیاسپورای افغان عموماً از لحاظ سن، جنسیت، سطح تحصیل، حجم و قومیت مختلط است؛ اگرچه همه سازمان‌ها پالیسی‌های عضویت آزاد را دنبال می‌کنند، تجربه شکاف‌های قومی و نسلی در بسیاری از آنها آشکار است.
- حمایت از پروسه ادغام افغان‌ها در جامعه میزبان در سویدن (۷۴٪) و بریتانیا (۴۲٪) برجسته‌تر است در حالی که این میزان در آلمان (۲۲٪) و دنمارک (۱۷٪) بسیار کمتر است. اعضای دیاسپورای افغان پیوند خود را با رخدادهای داخل افغانستان حفظ می‌کنند، اما مشارکت‌شان در فعالیت‌های بشردوستانه و توسعه‌ی فرق می‌کند. در مقایسه، سازمان‌های دیاسپورای افغان در آلمان و بریتانیا مشارکت چشمگیری در افغانستان (به ترتیب ۶۳٪ و ۴۰٪) نسبت به سازمان‌های افغان در سویدن (۷٪) و دنمارک (۱۹٪) دارند.
- حوزه‌ها و سطح مشارکت سازمان‌های دیاسپورای افغان در بین کشورهای مورد تمرکز بر اساس نیازها، فرصت‌ها و ویژگی‌های دیاسپورا در هر کشور فرق می‌کند.
- سازمان‌های دیاسپورای افغان از منابع تمویل مالی گوناگون، اما ناپایدار برخوردارند که بطور معمول برای رفع نیازمندی‌های آنان کافی نیستند: بخشش‌ها (۱۷٪)، کمک‌های مالی بلاعوض (۷٪)، فیس عضویت (۵٪)، فروشات (۱۰۷٪)، سرمایه شخصی (۰.۸٪) و قرضه‌ها (۰.۶٪).
- سازمان‌های دیاسپورای افغان غالباً بر اساس قومیت، نه بر بنیاد موضوعات یا اهداف، پیوندهای فراملی برقرار می‌کنند. این دورنمای شکننده سبب محدودیت در تشکیل سازمان‌های ملی چتر گردیده است. در هیچ یک از کشورهای مورد مطالعه، یک سازمان چتر هماهنگ‌کننده وجود نداشت.

## مرور کلی چالش‌ها و نیازها:

- شکاف در دیاسپورا: عوامل مربوط به قومیت، دیدگاه‌ها یا پیوندهای سیاسی، نسلی و باورهای مذهبی به محدودیت عضویت، همکاری، تعاون و هماهنگی در میان سازمان‌های دیاسپورای افغان انجامیده است.
- ظرفیت و دسترسی به منابع تمویل مالی: مهارت‌های سازمان‌ها در پروپوزال‌نویسی و مدیریت روند پروژه محدود است که بیش از پیش سبب محدود شدن فرصت‌های تمویل مالی می‌گردد. ماهیت داوطلبانه کار هم به این معنا است که سازمان‌ها مشکلات زیادی در اختصاص دادن زمان کافی برای مسایل عملیاتی دارند و از این رو، قادر نیستند کارمندان تخصصی لازم را به خود جلب نمایند.

- **فعالیت در افغانستان:** وضع امنیتی رو به وخامت در افغانستان، شک و تردید برای همکاری با حکومت افغانستان و نبود آگاهی و دانش لازم پیرامون پالیسی‌های انکشافی در افغانستان، مشارکت و فعالیت‌های سازمان‌های دیاسپورای افغان را محدود کرده است. سازمان‌های دیاسپورای افغان که کارمندان محلی کافی در افغانستان ندارند، قادر به تطبیق پروژه‌ها، به خصوص در مناطق روستایی نیستند.

## توصیه‌های مهم:

حمایت از فعالیت‌ها برای بهبود وحدت اجتماعی در بین دیاسپورای افغان. فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و موضوعی می‌توانند وحدت اجتماعی را تقویت کنند. این نوع فعالیت‌ها فرصت‌هایی را برای اعضای دیاسپورا میسر می‌سازند تا با یکدیگر ملاقات کنند و شکاف‌های موجود را از میان خود بردارند. ورکشاپ‌ها برای اعضای سازمان‌های دیاسپورا پیرامون منازعات در اجتماعات دیگر و اینکه چگونه این منازعات برطرف شده‌اند، می‌توانند به حیث قضیه‌های مشخص ارایه شوند و از آنها درس بیاموزند. این ورکشاپ‌ها می‌تواند شامل ملاقات‌ها با رهبران شبکه‌های دیاسپورای دیگر باشد که پیش از این بر موانع و مشکلات فایق آمده‌اند.

تمرکز بر تشویق اشتراک جوانان و نسل دوم. افرادی که در کشور مورد سوال جایگزین گردیده‌اند و جوان‌تر یا نسل دومی هستند، بارها گفته شده که مشتاق به کار کردن با گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. آنها همچنین از نظر فرهنگی و زبانی از یک موقف خاص برخوردار هستند و احساس پیوند با هر دو کشور را دارند. جوانانی که از فرصت‌های تعلیمی و تجاری مسلکی استفاده برده‌اند، می‌توانند نقش محوری در بازتعریف سازمان‌های دیاسپورای افغان بازی کنند و اطمینان دهند که این سازمان‌ها می‌توانند اهمیت خود را حفظ کنند و قادر به ایجاد و رهبری سازمان‌های چتر دیاسپورا شوند.

تکیه بر فعالیت‌ها برای وحدت اجتماعی با هدف نهایی ایجاد سازمان‌های چتر و/یا شبکه‌های موضوعی برای ارتقای هماهنگی، همکاری، تشریک معلومات و حمایت. نهادهای حامی باید کمک‌های مالی و لوجیستیکی فعالیت‌های مربوط به تشکیل سازمان‌های چتر را تهیه نمایند و همچنین می‌توانند نقش میزبان و تسهیل‌کننده برای میانجی‌گری در رفع اختلافات را ایفا کنند. از آنجایی که در بعضی بخش‌های اجتماع دیاسپورا بدگمانی و سوءظن موجود است، مهم است که تسهیل‌کننده منتخب از جانب تمام سازمان‌ها به حیث شخص یا نهاد بی‌طرف تلقی گردد. با وجود آن، پروسه تشکیل یک سازمان چتر باید در نتیجه ابتکار و اشتراک خود سازمان‌های دیاسپورا به وجود بیاید.

حمایت در دسترسی به تمویل: دونه‌ها باید نسبت به برخی از محدودیت‌ها در رابطه با ظرفیت سازمان‌های دیاسپورای افغان آگاه باشند، بطور خاص در ارتباط با پروپوزال‌نویسی و گزارش‌دهی. این کار می‌تواند با نمایش انعطاف در ارزیابی پروپوزال‌های پروژه آغاز شود و اطمینان داده شود که کمک‌های مالی برای استخدام مدیر یا هماهنگ‌کننده مسلکی فراهم می‌گردد. نهادهای تمویل‌کننده می‌توانند برای نهادهای جدید فرصت‌ها یا کمک‌های مالی به سطح کوچک در نظر بگیرند که از توسعه و مسلکی‌سازی این سازمان‌ها حمایت کند. دونه‌ها و نهادهای حامی باید به تلاش خود برای برگزاری جلسات ارتقای ظرفیت یا ارتقای فردی ادامه دهند تا تضمین شود که [سازمان‌ها و اعضای آنها] شرایط اجرایی خاص را فهمیده‌اند و همچنین فرصت‌هایی برای بازخورد آشکار درباره پروسه‌ها و حمایت مورد نیاز ارایه می‌گردد.

شروع با یک گروه کوچک: سازمان چتر در مراحل اولیه باید یک گروه کوچک از سازمان‌ها باشد. در مراحل اولیه، یک سازمان چتر، باید متمرکز بر تشریک معلومات، همکاری و هماهنگی باشد. انکشاف یک سازمان چتر یک پروسه دایمی است و برای فعالیت‌های اساسی مانند هماهنگی و هزینه فعالیت‌ها به منابع ثابت نیاز دارند. منحصبت بخشی از کمک به مرحله اولیه ایجاد یک سازمان چتر، نهادهای حامی باید منابع مالی مورد نیاز را تهیه نمایند و در عین حال، تلاش‌های سازمان چتر برای ایجاد منابع مالی مستقیم و پایدارتر را تسهیل بخشند. از طرف دیگر، نهادهای دونه باید آماده باشد تا هر چه زودتر، در تأمین تمویل ساختاری به سازمان چتر اقدام کنند. این تمویل می‌تواند بطور مستقیم یا از طریق یک مکانیزم تمویل معین تحت مدیریت یک سازمان انجام شود. به جای تلاش برای پیوند دادن تمام سازمان‌ها فارغ از نوع فعالیت‌شان، باید سعی شود سازمان‌های دیاسپورا با تمرکز مشابه به هم ارتباط داده شوند و به این ترتیب، هماهنگی بر اساس موضوعات خاص صورت بگیرد.

**حمایت از انکشاف ظرفیت از طریق دسترسی مستقیم:** شکاف‌ها و ضعف‌های مربوط به انکشاف پروژه، پروپوزال‌نویسی و ظرفیت مدیریت پروژه بطور متواتر شناسایی گردیده‌اند. در حالی که برخی از سازمان‌های دیاسپورا از این جلسات آگاهی دارند، واضح است که دسترسی مستقیم به سازمان‌ها برای اشتراک و فهمیدن موانع اشتراک آنها (هزینه مالی، تاریخ سفر، تعهد زمانی) یک امر ضروری است.

همچنان سازمان‌های دیاسپورای افغان باید فعالیت‌های مربوط به ارتقای ظرفیت را در میان اعضای خود ادامه دهند و از چنین فرصت‌ها استفاده کنند. اگر سازمان‌های چتر تشکیل شوند، می‌توانند به عنوان یک انجمن عالی برای آموزش و مربیگری عمل کنند.

**تقویت انکشاف ظرفیت از طریق شرکای تعلیمی با سازمان‌های محلی در اجتماع:** نمایندگان سازمان‌های دیاسپورای افغان و پاسخگویان، هر دو به نبود ظرفیت در قسمت مدیریت چرخه پروژه اشاره کردند و آمادگی خود را برای همکاری نزدیک‌تر با اجتماع محلی خارج از شبکه دیاسپورا ابراز داشتند. تقویت همکاری‌ها بین دیاسپورا و سازمان‌های محلی غیر دیاسپورا می‌تواند پروسه تشریح معلومات و آموزش را سرعت بخشد و زمینه‌ای برای همکاری و ابتکار عمل‌های فزاینده فراهم آورد؛ که یکی از اولویت‌ها در بسیاری از سازمان‌های دیاسپورای افغان می‌باشد.

**افزایش فرصت و حمایت برای ادغام پناهجویان تازه از راه رسیده در کشور مقیم:** نهادهای محلی مانند شاروالی‌ها باید برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی برای ادغام دیاسپورا را تقویت بخشند، مانند کورس‌های آموزشی لسان و دسترسی به بازار کار. سازمان‌های دیاسپورای افغان باید بحیث مراجع دسترسی مطمئن به این برنامه‌ها، به طور مناسب به این برنامه‌ها ارتباط داده شوند. جایی که ممکن است، کمک‌های مالی به سطح کوچک شاروالی‌ها و بنیادهای محلی باید به سازمان‌های دیاسپورا اختصاص یابد تا آنها بتوانند پروژه‌های ادغام خود را در راستای تکمیل نهادهای محلی و دولتی به پیش ببرند.

**ارتقای افغانستان در رسانه‌ها:** سازمان‌ها باید اخبار مثبت مربوط به افغانستان و اعضای دیاسپورای افغان را در رسانه‌ها ارتقا بخشند و این امکان را برای افغان‌ها فراهم کنند که در جهت آگاهی بخشی نسبت به خود و بالا بردن فهم بین‌فرهنگی، صدای خود را به مردم این کشورها برسانند.

**برقراری تماس‌های محلی برای مشارکت در افغانستان و تهیه معلومات و مساعدت‌ها:** حکومت افغانستان باید به سازمان‌های دیاسپورای افغان در برقراری تماس با شوراهای انکشافی ولسوالی‌ها (DDAs) و شوراهای انکشافی محلی (CDCs) یاری رساند، چرا که شمار زیادی از سازمان‌های دیاسپورای افغان علاقه روزافزون دارند تا از این طریق در کشور، سرمایه‌گذاری مالی و مهارتی کنند. علاوه بر این، سازمان‌های دیگری که در امر انکشاف و کمک‌های بشری در افغانستان فعال‌اند نیز همکاران خوبی می‌توانند باشند مانند SAK, DACCAR, ACBAR, DRC/DEMAC. همچنان، سازمان‌های دیاسپورای افغان که از قبل در افغانستان فعالیت دارند مانند DAMF و انجمن داکتران برای مهاجرین افغان از آلمان، SAK از سوئیدن و ACA و FSTS از دنمارک و بنیاد فرخنده و ادارات بریتانیا و ایرلند، افغانستان گروپ (BAAG) منابع خوبی برای یادگیری درباره نحوه مشارکت و آغاز فعالیت در افغانستان شمرده می‌شوند.

**سازگاری داده‌ها:** همه کشورهای شامل در این تحقیق، دیاسپورا را بطور متفاوت در احصائیه ملی خود تعریف و مفهوم‌پردازی کرده‌اند. در حالی که در برخی از کشورها، فقط تازه از راه رسیده‌های تحت حمایت موقت، دارای جواز اقامت یا دارای جواز کار در کشورشان را در احصائیه‌ها سرشماری می‌کنند؛ کشورهای دیگر، در کنار این دسته‌بندی‌ها، کسانی را هم که تابعیت گرفته و شهروند شده‌اند نیز به عنوان دیاسپورا می‌شناسند. بعضی کشورهای دیگر نیز فرزندان بلافصل کسانی را که تابعیت گرفته و شهروند شده‌اند (یعنی نسل دوم)، شامل دیاسپورا می‌دانند (اگرچه اینها را بر طبق خاستگاه ملی دسته‌بندی نمی‌کنند). به منظور فهم کامل دیاسپورا، ضروری است که داده‌های مشابه جمع‌آوری و در سراسر اتحادیه اروپا به اشتراک گذاشته شود.

متن کامل این تحقیق را می‌توان از ویسایت DRC بدست آورد: [www.drc.ngo/diaspora](http://www.drc.ngo/diaspora)



# آدرس

شورای مهاجرین دنمارک  
مینگو هیدوک رئیس واحد مشارکت جامعه مدنی

بورگر گید، ۳، ۱۰

۱۳۰۰ کوپنهاگن، دنمارک

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۳۷۳۵۰۵۵

diaspora@drc.ngo

www.drc.ngo/diaspora

مرکز تحصیلات عالی فوق لسانس در رشته حکومتداری دانشگاه ماستریخت/دانشگاه سازمان ملل - میریت

پروفسور داکتر میلیسا سیگل، پروفسور مطالعات مهاجرتی/رییس بخش مطالعات مهاجرتی

بوش سترات ۲۴

۶۲۱۱AX ماستریخت، هالند

Melissa.siegel@maastrichtuniversity.nl

www.maastrichtuniversity.nl/www.merit.unu.edu

این تحقیق توسط دانشگاه ماستریخت/دانشگاه سازمان ملل - MERIT برای شورای مهاجرین دنمارک انجام شده است که وزارت امور خارجه دنمارک (DANIDA) آن را تمویل نموده است. مسئولیت محتویات این سند بر عهده دانشگاه ماستریخت - MERIT و شورای مهاجرین دنمارک می باشد و تحت هیچ شرایطی بر موضع DANIDA دلالت نمی کند.

وزارت امور خارجه دنمارک

وزارت امور خارجه دنمارک

همکاری توسعه  
بین المللی | دانیدا